این پرچم را به مردی خواهم داد که الله و پیامبرش را دوست دارد و الله فتح را به دستان او محقق خواهد نمود

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز خیبر فرمودند: «لَأُعْطِيَنَّ هَذِهِ الرَّايَةَ رَجُلًا يُحِبُّ اللهَ وَرَسُولَهُ، يَفْتَحُ اللهُ عَلَى يَدَيْهِ»: «این پرچم را به مردی خواهم داد که الله و پیامبرش را دوست دارد و الله فتح را به دستان او محقق خواهد نمود». عمر بن خطاب رضی الله عنه می‌گوید: «دوستدار و خواهان امارت نشدم مگر آن روز؛ پس برای آن خود را بالا گرفتم تا برای آن فرا خوانده شوم». پس پیامبر صلی الله علیه وسلم علی بن ابی‌طالب را فرا خواند و آن را به او داد و فرمود: «امْشِ، وَلَا تَلْتَفِتْ، حَتَّى يَفْتَحَ اللهُ عَلَيْكَ»: «برو و [به سمت راست و چپ] روی مگردان تا آنکه الله فتح را برایت حاصل گرداند». پس علی کمی جلو رفت و سپس ایستاد و روی نگرداند و با صدای بلند گفت: یا رسول الله، بر سر چه چیزی با مردم بجنگم؟ فرمود: «قَاتِلْهُمْ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَقَدْ مَنَعُوا مِنْكَ دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ، إِلَّا بِحَقِّهَا وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللهِ»: «با آنان بجنگ تا آنکه شهادت دهند معبود به حقی جز الله نیست و محمد فرستادهٔ الله است؛ پس چون چنین کردند جان و مال‌شان را از تو حفظ کرده‌اند مگر به حق آن و حساب‌شان با الله است».

[صحیح است] [به روایت مسلم]

پیامبر صلی الله علیه وسلم به صحابه از پیروزی فردای مسلمانان بر یهودیان در خیبر که در نزدیکی مدینه بود، خبر می‌دهد؛ اینکه پیروزی به دست مردی رخ خواهد داد که «رایه» را به او می‌دهد؛ و رایه پرچمی است که ارتش به عنوان نشانه و شعار خود برمی‌دارد؛ و بیان می‌کند که از صفات این مرد آن است که الله و پیامبرش را دوست دارد و الله و پیامبرش او را دوست دارند. و عمر بن خطاب ذکر می‌کند که هرگز دوست‌دار و خواستار امارت نبوده است مگر در آن روز؛ به امید آنکه سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم مبنی بر محبت الله و پیامبرش نصیب ایشان شود. از این‌رو عمر خود را بلند می‌کند تا پیامبر صلی الله علیه وسلم او را ببیند، به این امید که صدایش بزند؛ و چون امیدوار و مشتاق گرفتن پرچم بود. پس پیامبر صلی الله علیه وسلم علی بن ابی‌طالب رضی الله عنه را صدا می‌زند و پرچم را به او می‌دهد و پیامبر صلی الله علیه وسلم به او امر می‌کند تا ارتش را به پیش ببرد و برای استراحت یا توقف یا آتش‌بس، از نبرد روی نگرداند تا آنکه الله تعالی به دست او دژهای‌شان را با پیروزی و غلبه فتح کند. پس علی رضی الله عنه به راه می‌افتد، سپس می‌ایستد اما سرش را نمی‌چرخاند تا مرتکب مخالفت با امر پیامبر صلی الله علیه وسلم نشود و صدایش را بلند نموده و می‌گوید: یا رسول الله، برای چه چیزی با مردم بجنگم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «با آنان بجنگ تا آنکه شهادت دهند معبود به حقی جز الله نیست و محمد فرستادهٔ الله است، پس اگر پذیرفتند و مسلمان شدند، آنگاه جان و مال‌شان را از تو حفظ کرده‌اند و تعرض به آنها بر تو حرام است مگر به حق آن؛ یعنی مگر جنایتی را مرتکب شوند که به موجب احکام اسلام مستحق قتل شوند؛ و حساب‌شان با الله است.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/4958